

داد و دادار

مجموعه‌ای از داستانهای
واقعی و تکان‌دهنده

مؤلف: محمود شیت خطاب

مترجم: صلاح‌الدین توحیدی

م. Khattab, Mahmud

خطاب، محمود شیت، ۱۹۱۹ -

داد دادار: مجموعه‌ای از داستانهای واقعی و تکان‌دهنده / مؤلف محمود شیت خطاب؛

مترجم صلاح‌الدین توحیدی. - تهران: احسان، ۱۳۸۳.

۱۱۷ ص.

ISBN: 964-356-140-2

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: عداله السماء.

۱. داستانهای کوتاه عربی - قرن ۲۰ م. الف. توحیدی، صلاح‌الدین، ۱۳۵۰ -

مترجم. ب. عنوان. ج. عنوان: مجموعه‌ای از داستانهای واقعی و تکان‌دهنده.

۸۹۲/۷۳۶

PJAF۸۱۰/۵۲ع۴۰۴۱

ع۶۲۲خ

۱۳۸۳

۱۳۸۳

م ۸۳-۱۷۰۹

کتابخانه ملی ایران

محمود شیت خطاب

داد دادار

صلاح‌الدین توحیدی

نشر احسان

• ناشر:

جلد ۳۰۰۰

• تیراژ:

اول - ۸۳

• نوبت چاپ:

چاپخانه مهارت

• چاپ:

ISBN: 964-356-140-2 / ۹۶۴-۳۵۶-۱۴۰-۲

• شابک:

۷۰۰ تومان

• قیمت:



نشر احسان

فروشگاه شماره ۱: تهران - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه - مجتمع فروزنده - شماره ۴۰۶ -

تلفن: ۶۹۵۴۴۰۴

فروشگاه شماره ۲: تهران - خیابان ناصر خسرو - کوچه حاج نایب - شماره ۱/۱۱ -

تلفن: ۳۹۰۲۷۵۰

سندوق پستی: تهران ۳۸۵ - ۱۱۴۹۵

فهرست

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار مترجم
۱۱	مقدمه چاپ پنجم
۱۵	مقدمه چاپ اول
۱۷	مقدمه چاپ دوم
۱۹	داد دادار
۳۲	اعدام، مژده‌ای به قاتل
۴۲	دست تقدیر
۵۰	این به آن در
۵۷	مکافات عمل
۶۵	سوگند انکار
۷۵	شلیک عدالت
۸۱	اجل نگهبانی بی‌مانند
۸۹	قضای آسمانی
۹۸	صبر نیکوست
۱۱۰	سرهنگ
۱۱۶	خاتمه

پیشگفتار مترجم

خداوند بزرگ که خالق تمام کائنات است، آدم را از خاک آفرید و از روح خود در او دمید و زمین را برای سکونت فرزندانش مهیا ساخت و بنی آدم را در زمین جانشین قرار داد.

انسانها ابتدا امتی واحد بودند اما کم‌کم بر اثر غرائز بشری، جاه و مقام و حسادت و... میان آنها اختلاف افتاد؛ از راه حق و حقیقت و یکتاپرستی دور شدند و دچار شرک و بت‌پرستی و... شدند. خداوند برای راهنمایی انسانها، از میان خود آنان پیامبرانی را برگزید و به بعضی از این پیامبران برنامه‌ها و کتابهایی آسمانی عطا فرمود تا اینکه در دوران تکامل عقلی بشر، آخرین فرستاده با کاملترین دین و کتاب آسمانی مبعوث شد.

خداوند قرآن را برای راهنمایی بشر نازل و پیغمبرش محمد ﷺ را مأمور تبیین آن نمود. قرآن، این بزرگترین کتاب آسمانی که از زمان نزول تاکنون کوچکترین تحریف و تغییری در آن روی نداده است، برنامه سعادت تمام بشر است. این کتاب بزرگ با این همه عظمت از روشهای سودمندی برای هدایت بشر استفاده کرده است که یکی از این روشها بیان حکایات و داستان‌های پیشین می‌باشد. می‌توان کل آیات قرآن را در سه طبقه تقسیم‌بندی کرد: اول، اصول و اعتقادات از قبیل توحید، نبوت و معاد؛ دوم، احکام و مسائل اجتماعی و سوم داستانها و حکایات پیامبران و امت‌های پیشین و وقایع گذشته. بیان داستانها و حکایات یکی از روشهای سودمند برای هدایت انسانها به حساب

می‌آید زیرا بیان داستان، جذاب و جالب است و همه کس به شنیدن آن تمایل دارد و نیز مایهٔ عبرت مردم است چرا که از طریق بیان داستان امتهای پیشین؛ هر جامعه‌ای می‌تواند خود را با جامعه‌های پیشین مقایسه کند؛ سرنوشت آنها را مورد بررسی قرار دهد، عوامل خوشبختی و یا بدبختی آنها را کشف کند و مادامی که انسانها با علم و آگاهی به تحقیق و بررسی این حکایات و سرگذشتها بپردازند، می‌توانند از آنها درس عبرت گرفته و به سعادت برسند. خداوند در مورد داستانهای قرآن می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾. (یوسف: ۱۱۱) به درستی که در داستانهای ایشان هر آینه عبرت‌تست برای خردمندان. در جائیکه خداوند بزرگ خود در کتاب ارزشمندش از آوردن قصه‌ها و داستانها ابائی نداشته است، پس سزاوار است که خطیبان و سخنگویان نیز از این روش استفاده کنند و در میان سخنان خود به حکایت و یا داستانی واقعی رجوع کنند و نتیجهٔ داستان را بازگو نمایند تا مایهٔ عبرت مردم شود. داستانها و سرگذشت امتهای پیشین از تجربیات بشری هستند و تجربه بالاتر از علم قرار دارد. وقایع داستانها، ملموس و محسوس است و مانند مسائل فلسفی و کلامی نیست که تنها عده‌ای آنرا بفهمند.

نویسندهٔ کتاب حاضر مرحوم محمود شیت خطاب که خود فردی نظامی و مجرب بوده، با صداقتی که در گفتارش هویداست و با شناخت دردهای جامعه، ماجراهایی واقعی را که بعضاً خود وی در جریان آنها قرار گرفته است، بازگو نموده است تا مایهٔ عبرت دیگران شود. بیان این ماجراها فقط برای پر نمودن اوقات فراغت خوانندگان نیست، بلکه هر داستان، درس و یا درسهایی را در خود دارد که اگر درست فهمیده شوند و مایهٔ عبرت خوانندگان قرار گیرند و

نتایج خوب آنها عملاً در جامعه تحقق یابند، مسلماً جامعه‌ای به وجود خواهد آمد که در آن فساد و تباهی، قتل، دزدی و تجاوز به حقوق و نوامیس مردم روز به روز کمتر می‌شوند. در بیشتر داستانهای این کتاب آنانی که به جرم و جنایت و تجاوز و... میادرت نموده‌اند، نتیجهٔ عمل خود را دیده و مصداق ضرب‌المثل چاه‌کن در بیخ چاه و یا بیت شعر «از مکافات عمل غافل مشو، گندم از گندم بروید جو ز جو» شده‌اند. اما باید توجه داشت اگر کسی با وجود ستم و تجاوز بسیار به حقوق دیگران باز با مرگ طبیعی از دنیا برود، نباید ناامید شد چرا که «ولعذاب الآخرة أشد و ابقى» عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است و مهم، حساب پس دادن در دنیای دیگر است و اگر خداوند در این دنیا کسانی را به مکافات عملشان دچار عذاب می‌کند به این دلیل است که جامعهٔ بشری از آنان درس عبرت بگیرد و به حکمت‌های دیگر آن خدا داناتر است.

امید است که این کتاب به هدفی که نویسنده‌اش - روانش شاد - داشته است، دست یابد و آن هدف هم عبارت است از داشتن جامعه‌ای سالم با تمسک به ارزشهای دینی و تقلید نمودن از بخش فاسد فرهنگ غربی.

و اخِرُ دَعْوَانَا ان الحمد لله رب العالمین

صلاح‌الدین توحیدی

۱۳۸۰/۳/۱۵ هـ.ش

پاوه - روستای شمشر

تقدیم...

تقدیم به روح همسرم رفیعہ ابراہیم کرخیہ

تو در انجام هر عمل خیر پشتیبان من بودی، مرا به آن فرامی خواندی و تشویق می نمودی تو آن شمشیر بزندهای بودی که بر فرق دشمنانم فرود می آمد و امروز آن شمشیر شکسته است. تو آن بخشندهای بودی که به یارانم نیرو می دادی و این بخشش امروز زیر خاک رفته است و تو آن نوری بودی که مرا به راه حق و حقیقت رهنمایی می کرد و امروز آن نور از من پنهان گشته است.

بعد از تو برایم جز رحمت خداوند متعال و امید به دیدار تو در پناه خداوند، چیزی باقی نمانده است.

اجر و ثواب این کتاب را به روح پاکت در بهشت جاویدان تقدیم می کنم. رحمت و رضوان خدا بر تو باد. همه از خداییم و به سوی او باز می گردیم.

محمود شیت خطاب، قاهره

ذی الحجه ۱۳۹۱ هـ ق

۱۹۷۲/۱/۲۲ م.

مقدمه چاپ پنجم

سال ۱۹۷۳ در منطقه ییلاقی «زبدانی» بودم، نزدیک این منطقه پادگانی برای نظامیان جوان وجود داشت. روزی فرمانده پادگان مرا برای دیدار از پادگان دعوت نمود. در آن پادگان دریافتم که مقامات به خوبی به تربیت سربازان جوان همت گماشته‌اند و امروز بازیگران نمایش به اجرای تمرین یک نمایش پندآموز مشغول بودند. آن نمایش را همراه با دیگران مشاهده کردم، نمایش چیزی نبود مگر یکی از داستانهای کتابم: داد دادار.

روزی خطیبی به من گفت که داستانهای کتابم، داد دادار، را در خطبه‌هایش و برای دوستان و اطرافیان‌ش بیان نموده است تا برای تمام آنها درس عبرتی باشد. آنچه را که از این خطیب شنیدم، بارها از بسیاری از مردم شنیده‌ام. چند روز پیش نیز برادرم به من خبر داد که داستانهای کتابم را از یکی از ایستگاههای رادیویی شنیده است. ابتدا گمان می‌کردم که این داستانها فقط برای افراد دیندار جالب می‌باشند اما بعداً فهمیدم که افراد غیر متدین نیز جذب این داستانها شده و به آن علاقه دارند. مدتی پیش از من اجازه گرفته شد تا داستانهای کتابم به صورت حلقه‌وار در مجله‌ای چاپ شود و من نیز بدون قید و شرط اجازه دادم؛ اما به رغم اینکه داستانهای داد دادار قبلاً به صورت یک کتاب و یا با روشهای دیگر منتشر شده بود، مردم با شور و شوق به خواندن این داستانها در مجله مذکور روی آوردند. بارها از افراد زیادی

شنیده‌ام که همراه با اعضای دیگر خانواده به خواندن این داستانها پرداخته‌اند. یکی از اعضای انجمن علمی عراق می‌گفت که او این داستانها را در مجله مذکور دنبال می‌کند و همواره در انتظار انتشار آن مجله است تا ادامه داستانها را بخواند و خانواده و فرزندان را به خواندن این ماجراها تشویق و ترغیب می‌کند و این در حالی است که قبلاً بارها این داستانها را خوانده است.

داستانهای داد دادار همگی واقعی هستند من خود وقایع این داستانها را شاهد بوده و با حوادث آن زندگی کرده‌ام. وقت زیادی را صرف نوشتن این داستانها ننموده‌ام بلکه به آسانی و سر فرصت این وقایع را به رشته تحریر در آورده‌ام. نوشتن تمام این کتاب یک دهم زمانی که صرف نوشتن داستان زندگی یکی از فرماندهان جنگ نموده بودم را به خود اختصاص نداد. این مسئله مرا بر آن داشت که به سؤالات تمام کسانی که کتاب را خوانده بودند و من با آنها برخورد کرده و یا برخورد نکرده و برایم نامه فرستاده بودند را مورد بررسی و مطالعه قرار دهم؛ سؤالات از این قرار بود: چه رمزی در استقبال مردم از داستانهای داد دادار وجود دارد؟ رمز و راز تکرار انتشار آنها در مجلات مختلف و چاپهای متعدد به صورت علنی و غیرعلنی از این کتاب چیست؟ و رمز و راز ترجمه آن به زبانهای مختلف چیست؟ تا آنجا که آگاهانی از ترکیه، هند، پاکستان و یوگسلاوی به من خبر داده‌اند، این کتاب به زبانهای ترکی، اردو و یوگسلاو ترجمه شده است.

و مهمترین سؤال اینکه راز متأثر شدن مردم از وقایع و سرگذشت‌های آن و تکرار بیان آنها در هر مناسبتی در وسایل ارتباط جمعی عربی و غیرعربی چیست و راز روی آوردن ناشران به آن و اصرار شدید آنها بر انتشار این داستانها چیست؟

برای این سؤالات که سؤال کنندگان آنها جویای رمز و راز بودند و من خود سر و رازی را در آن نمی‌بینم، فقط یک جواب یک کلمه‌ای یافتم و آن هم «راستگویی» بود.

اکنون که پیر شده‌ام و برف سپیدی موهای سرم را پوشانده است، خلاصه آنچه را که در طول زندگی فرا گرفته‌ام، به رشته تحریر درمی‌آورم و آن این است که صدق و راستگویی به تنهایی منجر به خیر و سعادت دنیا و آخرت می‌گردد و هر کسی که به دنبال خیر و سعادت کامل و همه جانبه برای خود است، پس بر اوست التزام به صدق و راستگویی. به راستی این سخن راست است که برای مردم مفید است، چرا که در آنها تأثیر می‌کند و آن [همانند آبی] است که در زمین فرو رفته، ماندگار می‌شود و به کناری نمی‌رود.^(۱)

اگر گوینده سخن راست و یا نویسنده آن هدفش رضای خدا باشد آن سخن دو برابر میوه می‌دهد و آنهم میوه‌هایی حلال و پاکیزه. چه بسیار درباره سخنرانان و خطیبانی شنیده‌ام که قبل از پایین آمدن از سکوی خطابه، سخنانشان به فراموشی سپرده شده است و چه بسیارند مؤلفین و نویسندگانی که کتابهایشان قبل از خود آنان مرده و فراموش شده‌اند.

پس چه بهتر است که سخنرانان بر سخنان صادقانه اصرار ورزند و چه بهتر است که آنان کلمات و جملاتی صادقانه بنگارند؛ و از همه چیز بهتر آن است که در آنچه می‌گویند و یا می‌نویسند، خدا را مدنظر داشته باشند. گر چه گاهی ممکن است سخنرانی دروغگو چند ساعتی موفقیتی را کسب کند، اما نمی‌تواند تا قیام قیامت این موفقیت را داشته باشد. آنچه که در مورد سخنران

۱- اشاره به آیه ۱۷ سورة رعد: ... اما کفهای روی آب دور انداخته می‌شود ولی آنچه که برای مردم نافع است [یعنی آب] در زمین ماندگار می‌گردد. (مترجم)

گفته شد، در مورد نویسنده نیز صادق است.

این چکیدهٔ تجربهٔ من از زندگی است. پس هر کس که بخواهد به خود و جامعه‌اش خدمت کند از آن بهره بگیرد و سرانجام از آن پرهیزکاران است. و هر کس به هر دلیلی امروز از آن سودی نبرده است، فردا از آن بهره گیرد وگرنه با وجودی که در قید حیات است، مرده به شمار می‌آید.

از خداوند بزرگ خواهانم گفته‌ها و نوشته‌هایم را مفید گرداند. اگر هر آینه به خاطر درک مسئولیت‌م در قبال خداوند بزرگ نبود، سکوت و آرامش را انتخاب می‌کردم چرا که خیلی به آنها نیازمندم. از خداوند بزرگ خواهانم که کوششم را خالصانه برای رضای گرامی خود قرار دهد.

نهایت ستایش و شکرگزاری خدایی را سزد که اگر اراده نمی‌کرد، هر آینه هدایت نمی‌شدم. توفیق من جز با یاری خدا نیست بر او توکل می‌کنم و فقط به سوی او برمی‌گردم و درود و سلام بر سرور و مولایم، رسول خدا و جملهٔ آل و اصحابش.

بغداد ۲۱ محرم الحرام ۱۳۹۸ هـ ق

۱۹۷۸/۱/۱ م

محمود شیت خطاب

مقدمه چاپ اول

در سالهای اخیر کتابهای داستانی زیادی وارد بازار شده‌اند و پسران و دختران جوان با اشتیاق به خواندن آنها روی آورده‌اند چرا که این داستانها حول محور مسائل جنسی و سکس می‌چرخند و جوانان را به این مسائل تشویق می‌کنند و در نهایت منجر به اشاعه فساد اخلاقی و فحشاء در میان خوانندگان آنها شده‌اند.^(۱)

این داستانهای جنسی شهوت‌انگیز - داستانهای گمراه کننده‌ای که با گستاخی به فرهنگ هرزگی و برهنگی مباحات می‌ورزند و جوانان را به فساد و تباهی فرامی‌خوانند - بیشترین ضرر را متوجه خوانندگان خود می‌کنند چرا که در فاسد نمودن اخلاق آنان خیلی موثر می‌باشند و آنان را چنان بار می‌آورند که هدف از زندگی را فقط در مسائل جنسی و سکس ببینند.

نیاکان پیروز و سربلند ما با اخلاق نیکو در جنگها به پیروزی دست می‌یافتند، و بدون شک کسی که به مسائل جنسی نامشروع آلوده شده باشد، تحمل سختی جنگ را ندارد و نمی‌تواند به وظایف خود در میدان جنگ عمل نماید. از این رو نویسندگان آن کتابها و داستانهای گمراه کننده، دانسته و یا ندانسته به اسرائیل [دشمن امت اسلامی] کمک می‌کنند.

هدف داستانهایی که به شما تقدیم می‌کنم خیلی بزرگتر از آنست که تنها

اوقات فراغت جوانان را پر کند، آن هم در زمانی که امت عربی [و اسلامی] شرایط بسیار سختی را پشت سر می‌گذارد. این داستانها، سرگذشتهایی واقعی هستند که برای خوانندگان آن به طور اعم و برای دختران و پسران جوان به طور اخص، ثابت می‌کند که زندگی فقط مسایل جنسی و مسایل مادی گذرا نیست، بلکه در اینجا نمونه و سرمشقی برتر وجود دارد که به زندگی ارزش و معنی می‌بخشد و هر کس که بدان گردن نهد، فرد مفیدی برای عقیده‌اش، فرد مخلصی برای جامعه‌اش، شخص امینی برای مقامات والا و در نهایت فردی دور از شیطان و نزدیک به خدا خواهد شد.

این داستانها ویرانگر نیستند، بلکه داستانهایی سازنده‌اند که قلبها و عقلا را با هم بر پایه‌هایی محکم از ایمانی عمیق استوار می‌سازند.
از خداوند بزرگ خواهانم که این کتاب را برای خوانندگانش سودمند گرداند و آنرا خالصانه در راه رضا و خاطر گرامی خود بپذیرد.

قاهره ۱۹۶۸/۹/۲۳ م.

محمود شیت خطاب

مقدمه چاپ دوم

چاپ اول این کتاب بیش از آنچه که انتظار داشتم، رواج زیادی یافت و مورد توجه و اقبال خوانندگان قرار گرفت. توقع و انتظار من این بود که خوانندگان کتابهایم به کتاب داستانی که نوشته‌ام روی نیاورند چرا که آنان طبق معمول انتظار داشتند که کتاب جدید نیز مانند سایر کتابهایم در مورد تاریخ مسائل نظامی در کشورهای عربی و اسلامی و یا در مورد مسائل نظامی در جهان معاصر باشد و به ارائه کتابهایی داستانی و یا ادبیاتی از جانب من عادت نکرده بودند.

اما ظاهراً آنها با هدف من در نوشتن این داستانها پی برده بودند و آن هم دعوت به سوی خدا با روش بیان داستان که گاهی اوقات بیشتر از هر روش دیگری بر جوانان تأثیر می‌گذارد.

پس خداوند متعال را به خاطر فضلش ستایش می‌کنم و به خاطر توفیق این بنده‌اش شکر می‌گویم و درود و سلام بر سرور و مولایم رسول خدا ﷺ و آل و اصحابش باد.